



www.hekmatist.com

۱۶ آذر روز آزادی، روز برابری، روز مرگ بر جمهوری اسلامی است!



koorosh@ukonline.co.uk

۱۶ آذر روز آزادی و برابری؛ روز تحکیم رهبری چپ

کوروش مدرسی

از آن شونده که امسال ۱۶ آذر دیگری با شعار "آزادی، برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" بر حکومت اسلامی تحمیل شود. از گله آخوند، پاسدار و حزب الله که وعده داده

چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمیدهند. این را هم همه میدانند. و همه مدتهاست که دارند به استقبال ۱۶ آذر میروند. همه اعضا و جوارح رژیم بکار افتاده اند که مانع

۱۶ آذر روز اعتراض به جمهوری اسلامی است. این را همه میدانند. ۱۶ آذر روزیست که دانشجویان آزادخواه سال گذشته اعلام کردند که آزادی و برابری میخواهند و به



asadgoldini@ukonline.co.uk

این نشریه است. در این راه نشریه تلاش میکند ابزار کمونیست ها برای انجام فعالیتهای سازمانگرا در همه عرصه ها و محیط کارخانه، زیست و کار و درس و زندگی باشد.

کمونیست: موضوع کارتان رهبران و فعالین کمونیست اند یا طیف وسیعتری را در نظر دارید؟

اسد گلچینی: هدف اصلی

بقیه در صفحه ۲

در باره سازمانده کمونیست مصاحبه با: اسد گلچینی

اولین شماره نشریه سازمانده کمونیست، به سردبیری اسد گلچینی، در بیست صفحه انتشار یافته است. مطالب مندرج در این شماره ترکیبی است از مصاحبهها و مطالب فعالین و کادرهای دست اندرکار در داخل و کادرها و رهبران حزب در خارج کشور. هدف این مصاحبه آشنا کردن خوانندگان نشریه کمونیست با اهداف و نقشههای سردبیر در این کار است!

به آن بوده ایم که میخواهیم از طریق این نشریه به آن دامنه وسیعتر، عمیق تر و راستش آگاهانه تری بدهیم. ما میخواهیم جمهوری اسلامی را با انقلاب خودمان، انقلاب سوسیالیستی سرنگون کنیم. این کار بدون سازمان دادن های وسیع و وجود رهبرانی با پرچم روشن، رادیکال و سوسیالیستی ممکن نیست. رفع موانع تشکیلاتی ما در این راه نشان دادن اینکه این کار را چگونه خواهیم کرد مشغله

کمونیست: هدف از انتشار سازمانده کمونیست چیست؟ این صرفا اضافه کردن یک نشریه به جمع نشریات حزب نیست؟

اسد گلچینی: اضافه کردن یک نشریه به نشریات حزب از نظر ما کار مهمی است و اگر نشریات ما هر چه بیشتر هم بشوند و دامنه فعالیت حکمتیست ها در جامعه را افزایش دهد، به مبارزه حزب، مبارزه کارگران و مردم آزادخواه برای آزادی و سوسیالیسم یاری میرساند. این کار نه تنها ضرری ندارد بلکه مفید است.

اما این تنها هدف یا هدف اصلی ما نیست. من و همه رفقای من که برای این نشریه کار میکنند و آنرا سرپا نگهداریم میدارند امرمان یک مبارزه کمونیستی و اجتماعی است که مشغول

ایران تریبون منتشر شد!

صفحه ۴

جمعه ها منتشر میشود

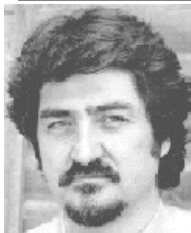
کمونیست ۱۳

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۱۳ - ۶ آذر ۱۳۸۳ - ۲۶ نوامبر ۲۰۰۴

www.hekmatist.com

سردبیر: کورش مدرسی



جمهوری اسلامی، سرنگونی و انقلاب

منصور حکمت

مطرح میکنند؟ از نظر شما عمده ترین آلترناتیوهای حکومت اسلامی کدام ها هستند؟

منصور حکمت: به این دلیل ساده که آلترناتیو حکومتی

پوشه: از نظر شما اردوی سرنگونی طلب اردویی یک دست و "همه با هم" نیست. سؤال این است که چرا احزاب و سازمانهای سرنگونی طلب پروژه و یا حکومت آلترناتیویشان را بجز مواردی معدود، کمتر

صفحه ۲

برنامه تظاهرات های حزب در خارج کشور به مناسبت ۱۶ آذر صفحه ۴



Iraj.farzad@gmail.com

جنگ ما شاهد رو در روئی دو قطب تروریستی جهان هستیم. اما این خصوصیت یکسان طرفین جنگ نباید شخص را به یکسان فرضی کردن این دو جنگ سوق دهد. این دو جنگ متفاوت هستند. کسی که این تفاوت را متوجه نیست نقطه عزمش در ارزیابی از جنگ نادرست است. نقطه عزمیت چه سلطه طلبی امریالیسم آمریکا باشد و

بقیه در صفحه ۳

افغانستان و عراق: تشابهات و تفاوت ها

موضع کمونیستی، موضوع ناسیونالیستی

ایرج فرزاد

اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم خجالتی و کمرو ایرانی، جنگ آمریکا با طالبان و حمله آمریکا به عراق را یک نوع دسته بندی میکنند و در نتیجه به یک سیاست کمابیش واحدی در قبال این جنگ ها میرسند. در هر دو جنگ، هر دو طرف ارتجاعی هستند. در هر دو

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بقیه از صفحه ۱

سازمانده ...

نشریه این است که ابزاری برای فعالین کمونیست باشد. واقعیت این است که نقشی که کارگران کمونیست و فعالین کمونیست در رهبری مبارزه و سازمان دادن مردم و خود باید داشته باشند کافی نیست. تا جایی که به این نشریه بر میگردد میکوشد تا این خلاء ها را ببیند، موانع را بشناسد و کمک کند که این خلاء ها پر شوند و موانع ز پیش پا برداشته شوند. مساله این است که کماکان فضای دخالت و تاثیر گذاری برای کمونیستها در تعیین تکلیف جامعه باز است و از این باید استفاده کرد.

از نظر ما مهم است که این فعالین کمونیست و رادیکال تصویری روشن از مبارزه برای رهایی و چگونگی رسیدن به حکومتی سوسیالیستی داشته باشند. اگر رهبری اعتراضات توده ای در ایران هنوز نمیتواند از زیر چتر تحمیلی خانه کارگر و بخشی از خود رژیم که سراسر و عمیقاً در وضعیت کنونی شریکند، بیرون بیاید، و رهبری اعتراضات در دانشگاه هنوز در هومعلق است و جنبش زنان با نیروی اعتراض عظیمی که بالقوه و بالفعل در میدان دارند نمیتواند عرض اندام کند و

هزار و یک مانع دارند، بدون تردید اینها مساله و معضل حزب ما و نشریه ما است. اینها مسالوات مهمی را در مقابل ما در سازمان دادن و تغییر این وضعیت میگذارد. سازمان دادن مردم و قیام بر علیه رژیم کار ماست که باید سازمان داده شود.

برای انجام این کارها باید بتوانیم طیف کمونیست و رادیکال و سوسیالیست های این عرصه ها را متقاعد کنیم، موانعی که وجود دارند از خفقان و فقر تا استبداد، از افکار و نظرات کوتاه بینانه تا ملی گرایی، عقب ماندگی و شرق زدگی و مرد سالاری همه موانعی هستند، از فقدان ارتباط تا شریک نشدن در تجربیات، امروز جلوی پای هر رهبر و فعال کمونیست است و موضوعات بلافصل و مشغله ما هم هستند.

اما نشریه در عین حال طیف وسیعتری را مخاطب قرار میدهد. جنبش چپ یک حرکت اجتماعی و بزرگ است و دنبال رهبران و شخصیتهای محبوب خود میگردد و ما میخواهیم این رهبری را تامین کنیم، همه جوانانی که تازه میخواهند شروع کنند را مخاطب قرار میدهم و تلاش ما این است که آنها را متقاعد کنیم که در این مبارزات و فعالیتی که میکنند تک تک اینها را به سازماندهی های کمونیست تبدیل کنیم که

رهبری این جنبش عظیم و اجتماعی سرنگونی طلب را در محل تامین کنند.

جنبش کمونیسم کارگری و برنامه یک دنیای بهتر ما، روشنترین پاسخ به خواست و نیاز های همه مردم است و مساله این است که موانع چفت شدن این جنبش باید برداشته شود.

کمونیست: آیا اولویت معینی در کارتان دارید؟ نقشه مرحله بندی شده ای در کارتان هست؟

اسد گلچینی: نقشه ای به این معنی که سر و ته آن معلوم باشد و مرحله های معلوم باشد نه، فکر میکنم نشریه نمیتواند این را دقیق تعریف و برای خود معنی کند اهدافی که ما میخواهیم دنبال کنیم را در نشریه کمی توضیح داده ام

منتهی موضوعات و مسایلی که به آنها میخواهیم پردازیم را هر چند شماره معلوم میکنیم. شاید به این معنی هر دوره چند ماهه مجموعه ای از مسایل مشخص و عرصه مشخص موضوع کار ما خواهد بود و روش ها سیاست ها و فعالیتهای کمونیستی و کار ساز برای سازماندهی های توده ای را مورد بحث قرار میدهیم. امیدواریم که بحثها و موضوعات ما مورد توجه قرار بگیرد و تاثیر خود را بر

کار فعالین کمونیست و رادیکال بگذارد. ما به موانع و مسایل و گره های مشغولیم که بر سر راه فعالیت هر فعال و مبارز کمونیست قرار میگیرد. این موانع تغییر میکنند و ما هم به همین اعتبار باید به این موضوعاتمان را عوض کنیم.

کمونیست: چه انتظاراتی از فعالین و رهبران موضوع کارتان دارید؟ در سبک کارتان اساساً آنها یکطرفه مورد خطاب اند یا ایجاد یک رابطه دو طرفه را در دستور دارید؟

اسد گلچینی: این نشریه قبل از هر چیز راه درست فعالیت را باید به میان فعالین و رهبران اعتراضات مردم و رهبران و فعالین کمونیست ببرد. این بدون همکاری رفقای بسیاری که در این هدف ها با ما شریکند ممکن نیست. و مهمتر اینکه این نشریه باید همکار و نویسندگان بسیار زیادی پیدا کند. فعالین کمونیست باید نشریه را به عنوان ابزاری در جهت طرح بحث هایشان، انتقال آن به دیگران، نقد و بررسی راه و روش های مختلفی در سازمانگری و سازمانیابی که در محیط های فعالیستی شان، در برخورد با افکار و نظرات جنبش های دیگر، شناختن و دوری کردن از روش و فعالیتهای فرقه ای و حاشیه ای و غیر اجتماعی، مورد استفاده قرار دهند.

سازمانده کمونیست و وقتی موفق است که بعنوان نشریه ای معتبر در این عرصه جایش را باز کند. من فکر میکنم ما بهر اندازه به این نزدیک شویم به اتحاد و انسجام نظری و پراتیکی بیشتری در محیط های فعالیستی میرسیم. انتظار ما این است که همه فعالین و همه مبارزین و کمونیستهای کارگری در هر عرصه ای که به کار و فعالیت مشغولند اعم از رفقا و یارانی که سالیهاست با هم آشنا ایم و همه کسانی که تازه با ما آشنا میشوند از رفقای کارگر، دانشجوی، معلم، کارمند، نظامی، دانش آموز، پرستار و ... با ما در ارتباط باشند و ما را در موضوعات، بحثها و مسایل و گره گاهی که در فعالیت دارند شریک کنند. از همین ابتدای کار هم تلاش کردیم نشریه این خصوصیت را منعکس کند و بکوشد و بخواند که بر پایه ای واقعی استوار شود و اگر این هدف تامین نشود بنظرم آنگاه نشریه بی خاصیتی خواهد شد. مهم است که ما سازمانده کمونیست را با این معیارها بسنجیم. اصولاً موفقیت این پروژه همین است که رابطه دو طرفه و بسیار نزدیکی با فعالین کمونیست ایجاد کنیم. سازمانده کمونیست یک پروژه مهم حزب و مشخصاً کمیته تشکیلات کل کشور است.

منصور حکمت

همه نیروهای اصلی جامعه برای مردم معلوم و دانسته است. بنظر من تصویر خام و نسبتاً کودکانه ای بخصوص میان سیاسیون مهاجر ایرانی در اروپا از عالم سیاست وجود دارد که فکر میکنم شاید تحت تاثیر روایت تلوویزیونی انتخابات های غربی است. در این دنیای [دستی] گونه هایشان از احزاب پلاتفرم هایشان را میدهند، شب در تلویزیون راجع به آن بحث میکنند، بعد مردم سرشام و در رختخواب و سر کار این پلاتفرمها را مقایسه میکنند و تصمیم بگیرند که سر جمع کدام پلاتفرم به مزاجشان سازگار است و روز انتخابات میروند و به آن رای میدهند. اما نه در اروپا و نه در ایران، قضیه این نیست. احزاب سیاسی، بعنوان بخشهای متشکل جنبش های سیاسی، با افق هایی کمابیش آشنا برای مردم، با مشخصات سیاسی و ایدئولوژیک و شعارهایی که بعضاً صد سال قدمت دارند جلوی هم صف کشیده اند. بخشهای مختلف مردم بسته به فضای جاری جامعه هر بار به چپ و

راست و مرکز جلب میشوند. سؤال عمومی معمولاً این نیست که پلاتفرم احزاب چیست، بلکه این است که اولاً، جنبش اجتماعی پشت این احزاب چه موقعیت ماکروی متفاوتی خلق میکند، چه چیز را پایان میدهد و چه روندی را آغاز میکند و ثانیاً، کدام جنبش و احزابش واقعاً قدرت پیروزی دارند. وقتی مردم انگلستان جانشان از تاجریم به لبشان میرسد، علیه محافظه کارها رای میدهند. اما در میان احزاب اپوزیسیون میروند و حزب لیبرال را انتخاب میکنند، حتی اگر پلاتفرم لیبر رسماً ادامه سیاست های محافظه کارها باشد. چون بطور اجتماعی در تلقی عمومی مردم، از نظر عینی، لیبر تنها آلترناتیو معتبر موجود در مقابل محافظه کارهاست. به هر یک از اهالی ایران مراجعه کنید به شما خواهد گفت، و منم میتوانم به شما بگویم، که هر کدام از این نیروها سر کار بیایند ایران به چه شکلی درمیاید. کسی منتظر مطالعه پلاتفرم کسی نیست. مشکل بر سر ترسیم خطوط نظام اتی

نست. بلکه بر سر استراتژی سرنگونی است. بر سر پیدایش نیرویی است که مردم آن را قادر به رهبری یک مبارزه ریشه ای علیه رژیم اسلامی ببینند.

در پاسخ به بخش دوم سؤال، روشن است که اپوزیسیون ایران طیف های متنوعی دارد. سیر رویدادها میتواند هر یک از این طیف ها را برای دوره ای به قدرت پرتاب کند. اما سؤال اصلی این است که کدام جنبشها و جریانات سیاسی، کدام احزاب به معنی وسیع کلمه، میتوانند قدرت را نگاه دارند و یک موقعیت اجتماعی و سیاسی ادامه کار و باز تولید شونده برای یک دوره را بوجود بیاورند. بنظر من اینجا دیگر دو جنبش و جریان هست. یکی کمونیسم کارگری است و دیگری ناسیونالیسم محافظه کار طرفدار غرب. مابقی جریانات در کشمکش این دو جریان اصلی به حاشیه پرتاب خواهند شد. منظورم از کمونیسم کارگری فقط حزب ما یا فقط یک حرکت حزبی نیست. منظورم آن جنبش وسیع اجتماعی و طبقاتی است که بر مبنای یک پرچم

ماکزیمالیستی کمونیستی (که مفاد آن در برنامه ما آمده است)، با افق "سوسیالیسم فورا"، اساساً به نیروی رادیکالیسم طبقه کارگر قد علم میکند. این جنبش، بعلاوه، پرچم سکولاریسم و اسلام زدایی، پرچم رهایی زن، پرچم رفع تبعیض در همه اشکال آن و پرچم نوگرایی و خلاصی از سنتها و اخلاقیات کهنه را بدست دارد و بنظر من مورد حمایت پرشور اکثریت مردم کشور و افکار عمومی پیشرو جهان خواهد بود. این قطب معتبر چپ در جامعه ایران خواهد بود. در مقابل، حزب راست، یعنی محافظه کاران و ملیون طرفدار غرب، مورد حمایت سرمایه ها و بنگاهها و دول غربی خواهند بود. این طیف فقط شامل سلطنت طلبان نیست. بنظر من شاخه های مختلف جبهه ملی، مصدقون و جمهوری خواهان متفرقه، عظمت طلبهای ایرانی همه به این صف تعلق دارند. افق سیاسی این جریان تبدیل ایران به چیزی مانند مصر یا ترکیه است. یک نیروی سوم، و بنظر من بی ثبات و از نظر سیاسی عقیم نیز وجود دارد و آن یک ائتلاف

ملی مذهبی و شرق زده متشکل از اپوزیسیون پروخاتمی امروز، "دگرناندیشان کمونیست ستیز و بخش اعظم چپ سنتی است. این جریان امروز بصورت یک جبهه اعلام نشده در داخل و خارج کشور فعال است. شخصیتها و سنتها و دستور کار و مراسم و اعیاد و زبان مشترک خودش را ایجاد کرده است. این جریان به نظر من فقط تا زمانی میتواند مطرح باشد که رژیم اسلامی هست و لاجرم بحث تعدیل آن مطرح است. زوال رژیم اسلامی پایان عصر مفید این نیروی سوم است. پوشه: شما در همان مصاحبه در واقع سیر سرنگونی جمهوری اسلامی را از سیر یک انقلاب اجتماعی، تنوعی جدا میکنید و با به بیان درست تر پایان کار جمهوری اسلامی را نقطه ای در سیر آتی انقلاب در ایران میدانید. لطفاً زمینه های ادغام یا انفکاک این دو مقطع را بیشتر برایمان توضیح بدهید.

منصور حکمت: شاید به دلیل استبداد طولانی و این بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

چه درجه ارتجاعی بود جریانات اسلامی، هر دو به دو روی یک سکه می‌رسند. یا از جریانات اسلامی عملاً حمایت میکنند و یا از حمله آمریکا. نقطه عزیمت و نقطه ای که مبادی اتخاذ یک سیاست انسانی است رابطه این جنگ‌ها با زندگی مردم است.

در جنگ افغانستان با شکست طالبان زندگی مردم افغانستان بهبود پیدا کرد. در جنگ عراق مردم به خاک سیاه نشستند. در افغانستان مردم با "حکومتی" روبرو بودند که تحت سلطه آن، نیمی از جمعیت عینی زنان از هر نوع حقوق انسانی محروم بودند. حتی حق درس خواندن نداشتند. زن در کیسه‌ای به نام برقع پیچیده شده بود و داشتن ریش برای مردان تا اندازه معینی اجبار شرعی. از مدنیت و زندگی و تولید در افغانستان تحت سلطه طالبان خبری نبود. یک مشت راهزن که قبلاً توسط حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکا و پاکستان و شیخهای عربستان راه اندازی شده بودند، "باغی" از آب درآمدند. قرار بود طالبان مظهری باشد برای جامعه و ایزاری علییه کمونیسم و آزادیخواهی. اما مار ماراز را هم گزید. جنایت ۱۱ سپتامبر ضرورت لگام زدن بر دست درازی اسلام سیاسی به غرب و محدود کردن آن به همان

دایره فعالیت سنتی آن را برای آمریکا حیاتی کرد. جنگ افغانستان، برای غرب، از اینجا مایه میگرفت.

اما نتیجه حمله به افغانستان سرنگونی طالبان بود. این موجب شد که، لاف‌در سطح قانون زن و دختر حق مدرسه رفتن و کار کردن را پیدا کنند. اگر سرنگونی طالبان همین یک دست آورد راهم داشته باشد زندگی نیمی از مردم افغانستان در محنت کمتری سپری میشود. این واقعیت از منظر هر انسان شرافتمندی که به زندگی و موقعیت انسانها نگاه میکند قابل محکوم کردن نیست. درست به این دلیل منصور حکمت در سری مقالات: "دنیا پس از ۱۱ سپتامبر"، حمله آمریکا به طالبان را محکوم نکرد.

این قضاوت البته از منظر نیروهای "ضدامپریالیست" یک ارتداد ناخوشدنی بود. مخالفت با جنگ طالبان و آمریکا، و یا به عبارت بهتر ترجیح حکومت راهزنان اسلامی طالبان به هر حکومت دیگر "دست نشانده" آمریکا، اساساً موضع ناسیونالیست ضد امپریالیستی بخشی از جریانات "چپ" حاشیه ای بود، که قبل از هر چیز تصویر یک عده مهجور و بی توجه به زندگی انسانها و لاقیدی مطلق نسبت به سرنوشته مدنیت جامعه را ارائه دادند.

اما از سوی دیگر اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی، جنگ افغانستان را پیش

پرده ای برای به قدرت رسیدن خود دید. توهما و خرافه‌ها شایع کردند که بزودی پرزیدنت بوش، میهن ایرانی را هم از وجود "آخوندهای بی وطن" پاک خواهد کرد. دیری نپائید که جنگ نظامی عراق و تهاجم وسیع نظامی برای ساقط کردن "دیکتاتور بغداد" و متعاقب آن یک اشغال کامل همراه با ویران کردن کل شیرازه مدنی جامعه عراق را جهانیان دیدند.

جالب این است که خود حکومت آمریکا و رسانه‌های مهم آن، حضور ارتش آمریکا را بعنوان "نیروهای اشغالگر" نام می‌برند. عکس العمل میلیونی جهان متمم در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲، در برابر سیاست بوش و بلر، نشان داد که بشریت متمم با سناریو سیاه حکومت آمریکا در عراق رفتار کاملاً متفاوتی نسبت به جنگ آمریکا و طالبان، از خود نشان میدهد.

در عراق، برعکس مورد افغانستان، مردم کار و زندگی داشتند، اگر چه تحت رژیم دیکتاتوری فاشیست بعث زندگی و البته مبارزه میکردند، اما اقتصاد جامعه و تولید و باز تولید در جریان بود. اگر چه شکاف طبقاتی عمیقی بود، زن از یک حقوقی بسیار ابتدائی برخوردار بود. زن درس میخواند، در جامعه کار میکرد، اجبار به حجاب وجود نداشت و ...

پس از تهاجم نظامی به عراق، کل چیزها جامعه از هم پاشید. و این کاملاً قابل پیشبینی بود و ما پیشبینی

کردیم. اسلام سیاسی بعنوان "نیروی مقاومت"، تقویت شد، شیعیترین جنایات به نام مبارزه با سیاست اشغال و زیرو رو کردن مدنیت جامعه با بمب و موشک و توپ و تانک، مشروعبت بخود داد و جامعه عراق به صحنه یک جدال خونین عملیات و ضد عملیات عناصر سناریو سیاه تبدیل شد.

حمله به عراق برعکس افغانستان، نتایج محکومی به بار آورد، زنان با فتوای هر آخوند و آیت الله و هر امام و هر رئیس قبیله و طایفه و عشیره ای که توانسته بود، ندای "مقاومت" از تجاعی و جهاد اسلامی از تجاعی را عربده بکشد، تهدید شدند، به قتل رسیدند و آرایشگاه و هر محل دیگر کار "زنانه" با تهدید بمبهای انتحاری یکی پس از دیگری تعطیل شدند.

اما نقطه رجوع نه ناسیونالیسم راست زندگی مردم و پیشروی و یا عقب نشینی مدنیت جامعه، جایگاه انسان و موقعیت انسانهای فرودست نیست. در مورد عراق، شادی و ذوق زدگی تمام طبقاتی راست بر تل اجساد تکه پاره شده انسانها و زیر و روشن تمام شیرازه مدنیت جامعه عراق فقط به فال نیک گرفته شد تا شاید بر اثر تشدید بحران روابط آمریکا و جمهوری اسلامی، همان مصیبت، در ابعادی به مراتب فاجعه یارتر، راه به قدرت خزیدن آنان راهموار کند.

اما بخشی از چپ هم با یکی

فرض کردن جنگ افغانستان و عراق همین نتیجه را میگیرد. اگر بخشی از چپ از "هول" امپریالیسم به دفاع از اسلام یا اغماض نسبت به آن میرسد و در واقع یک بخش از افق ناسیونالیستی سنتی را منعکس میکنند، بخش دیگر از "هول" اسلام سیاسی به اغماض نسبت به سیاست آمریکا میرسد و در واقع بخش دیگر ناسیونالیسم ایرانی، ناسیونالیسم پروغربی را منعکس میکند.

نیروئی که این حقیقت را در جامعه عراق نمیبیند و آنرا افغانستان را نشان مردم میدهد، دارد حتی در خوش بینانه ترین مرز آگاهانه و جنبشی با ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی ندارد.

اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی، کمترین مسئولیتی برای به قدرت رسیدن خود، حتی از طریق زیر و رو کردن جامعه ایران و باز کردن فضای اجراع جنگ قومی و فدرالیسم قومی ندارد. این چپ اما در حاشیه و پیاده رو سیاسی جامعه باقی خواهد ماند.



بقیه از صفحه ۱

۱۶ آذر ...

اند که "نمیگذارند" تا رئیس جمهور رژیم که وعده داده که اگر اجازه داشته باشد سعی میکند در دانشگاه حضور یابد، همه میخواهند با ۱۶ آذر نباشد و یا اگر هست کنترل شده باشد ۱۶ آذر روز زور آزمائی رژیم با آزادیخواهی است. همه این را پذیرفته اند و همه منتظراند نتیجه را ببینند. سوال این است که نتیجه ۱۶ آذر چگونه باید ارزیابی شود؟ چه چیز نشان میدهد که ۱۶ آذر دیگری به رژیم تحمیل شد؟ چه چیزی نشان میدهد که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی رژیم اسلامی را به عقب رانده است؟

سوال قبل از اینکه به تعداد تظاهراتها و یا ابعاد آن مربوط باشد به پرچم آن مربوط میشود. همه نگاه میکنند ببینند که مردم چه میخواهند؟ دانشجوی معترض و رادیکال را کدام افق و کدام آرزو، کدام جریان، به حرکت در می آورد؟ به پرچم اعتراض، چه اعتراض آشکار باشد و چه اعتراض زیر فشار سرکوب مخفی بماند، نگه خواهند کرد. پرچم آزادی خواهی تعریف شده است: "آزادی، برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی". همه نگاه خواهند کرد تا ببینند "فضا" چیست؟ سکوت؟ تن دادن به جمهوری اسلامی؟ امید به آمریکا و در انتظار عراقییزه کردن ایران؟ فراندیم؟ یا چشم دوختن به آزادی و برابری و رضایت ندان به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی؟

خود روز ۱۶ آذر چه اعتراض باشد و چه نباشد، واقعه ۱۶ آذر خود محمل یک تحرک سیاسی در دانشگاه و به تبع آن که نبض این تحرک، نبض این بی قراری سیاسی را چه کسی

میزند؟ چپ یا راست؟ نگاه میکنند تا ببینند آیا آزادی خواهی و برابری طلبی در قبلی اجتماعی به سنت دست بالا پیدا کرده اعتراض دانشجویان تبدیل شده است یا نه. باید تصمیم کرد که چپ و آزادی خواهی و برابری طلبی سخنگو و به حرکت در آورنده این اعتراض باشد. باید تصمیم کرد که نبض "ماجرای" در دست آزادخواهان، در دست برابری طلبان و در دست کمونیستها است.

شاخص دوم رهبری است. همه نگاه میکنند ببینند بجای نسل قدیم و مضحل شده دو خرداد چه کسی و چه رهبرانی به رهبران علنی توده ای مردم و دانشجویان تبدیل شده اند؟ همه نگاه میکنند تا ببینند رهبران، سازماندهندگان، سخنوران، تاکتیسیین ها، رهبران فکری و آرتانورهای اعتراض دانشجویان چه کسانی هستند؟ کدام سنت و کدام جنبش را نمایندگی میکنند؟ آیا بعد از غیب شدن او خرداد، شبکه "رهبران" علنی آن و شبکه "سازمانی" آن جایگزین شده است؟ مردم، و دانشجویان معترض، دنبال رهبران جدید

"شلوغ کردن" پاسخ وضعیت کنونی نیست.

بالاخره شاخص سوم دامنه و ابعاد اعتراض است. بدون تردید ابعاد اعتراض رادیکال، آزادیخواهانه، برابری طلبانه و چپ در دانشگاه و طبعاً در جامعه، یک شاخص مهم برای ارزیابی از موقعیت سیاسی کنونی در ایران است. تمام تلاش برای سازمان دادن بزرگترین و رادیکال ترین اعتراض ممکن را باید کرد و راستش بدون چنین تلاشی نه کسی رهبر میشود و نه ستون فقرات سازمانی درستی شکل میگیرد. اما اینکه روز ۱۶ آذر ابعاد اعتراض در چه حد خواهد بود بستگی به فاکتورهائی دارد که خارج از کنترل ما هستند. به دلایل گوناگون ممکن است به خیابان آمدن ممکن نباشد. اما تشخیص درست همین ممکن بود و یا نبودن به وجود یک رهبری مسلط، یک پرچم روشن و یک شبکه سازمانی کارا بستگی پیدا میکند. ۱۶ آذر روزی است که همه اینها به نمایش در خواهد آمد.



ایران تریبون منتشر شد!

www.iran-tribune.com

نشریه اینترنتی ایران تریبون به مسئولیت صلاح ایراندوست، محمود قزوینی و یوسف رسولی منتشر شد. کمونیست انتشار این نشریه را تبریک میگوید و برای رفقا آرزوی موفقیت دارد. در شماره های آینده خواهیم کوشید گفتگوئی با مسئولین نشریه در مورد کار ایران تریبون داشته باشیم.

واسطه این حکومت با یک حکومت پلیسی نظامی که قادر به برقراری یک اختناق مشابه و ممانعت از گسترش جنبش کمونیستی و چپ و آزادیخواهی در ایران بشود ایدا ساده نیست. چنین تلاشی به احتمال قوی فوراً توسط مردم به رهبری چپ در هم شکسته میشود، از طرف دیگر تصور برقراری یک نظام پلورالیستی و در همان حال ممانعت از پیشروی و پیروزی "انتخاباتی" کمونیسم کودکانه است. حتی برقراری دفاکتوی آزادی های سیاسی برای یک دوره دو ساله به عروج یک کمونیسم دهها میلیون نفری در ایران میدان میدهد. در نتیجه یک فرصت تاریخی مهم برای جامعه ایران دارد فراهم میشود. اینجادیگر بحث "درد پر فدایی، سلام بر مجاهد" نیست. بیست سال گذشته است. بنیادهای کمونیسم ایران امروز بسیار محکم تر و آمادگی سیاسی، سازمانی، فکری و روحی کمونیسم کارگری برای دخالت در اوضاع بسیار بیشتر از دوران انقلاب ۵۷ است. بنظر من تخریب جمهوری اسلامی، تازمه میدان را برای جدال جدی تر نیروهای اصلی طبقاتی در ایران باز میکند.

از مصاحبه نشریه پوشه با منصور حکمت - شماره ۵ دسامبر ۱۹۹۹

بقیه از صفحه ۲

واقعیت که حکومت های استبدادی را باید بزور پایین کشید، چپ های ایران عادت دارند دو مقوله سرنگونی و انقلاب را همیشه با هم ببینند. بنظر من این دو مقوله لزوماً همیشه با هم نیستند. واضح است که رژیم اسلامی با مسالمت بزیر کشیده نمیشود و مردم ناگزیر خواهند شد زور بکار ببرند. اما هر اعمال فشار و زور از جانب مردم، یک انقلاب نیست. بنظر من جمهوری اسلامی که هم اکنون در مقابل معضلات اقتصادی ایران به زانو درآمده است، حکومتی است اسلامی در یک موقعیت ضد اسلامی در برابر مردمی ضد اسلامی، و زیر فشار مردم کنار خواهد رفت. این روند میتواند اشکال مختلفی بخود بگیرد. جنبش تظاهراتی و اعتصابی، نافرمانی های مدنی وسیع مردم، زد و خوردهای موضعی با حکومت، کودتا و ضد کودتا، انتخاباتها و لغو انتخاباتها همه محتمل اند. اما ما حاصل این روند نهایتاً از میدان خارج شدن رژیم اسلامی است. این تازه بنظر من میتواند شروع یک انقلاب در ایران باشد. انقلاب کارگری، انقلاب کمونیستی. این را برای تبلیغ و تهییج نمیگویم. بنظر من اوضاع بورژوازی ایران وخیم است. حکومت فعلی اش رفتنی است. جایگزین کردن بدون

با شعار آزادی، برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی در تظاهراتهای

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
و
سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست
در کشورهای اروپایی - کانادا و امریکا
شرکت کنید!

آلمان

فرانکفورت شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران
تلفن تماس ۰۱۷۴۴۹۱۳۸۶۵۴

انگلستان

لندن شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران ساعت ۳ تا ۳
تلفن تماس ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۷

بلژیک

پروکسل دوشنبه ۶ دسامبر (۱۶ آذر) مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ساعت ۱ تا ۱
تلفن تماس ۰۰۳۲۴۸۴۷۴۷۳۱۱

سوئد

استکهلم جمعه ۳ دسامبر (۱۳ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ساعت ۱ تا ۲
یوتوبوری یکشنبه ۵ دسامبر (۱۵ آذر) مرکز شهر ساعت ۱ تا ۴ بعداز ظهر
تلفن تماس ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۷۹۵۹

هلند

لااه (دنهاخ) شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ساعت ۲ تا ۴
تلفن تماس ۰۰۳۱۶۵۱۱۷۰۷۵۸

نروژ

اسلو شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مرکز شهر مقابل پارلمان ساعت ۱۲ تا ۲
تلفن تماس ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱

کانادا

امریکا

سوئیس

دانمارک

تاریخ و محل های تظاهرات در اطلاعیه بعدی به اطلاع خواهد رسید

تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست
جمال کمانگر ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
نسان نودینیان ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

کمونیست را تکثیر و پخش کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!